آخرین خبرها از کرونا

۶۱۰ فوتی جدید کرونا در کشور

● **شرق:** بنا بر اعلام وزارت بهداشت، ۶۱۰ بیمار کووید۱۹ در کشور جان خود را از دست دادند. از ۱۳تا ۱۴ شهریور ۱۴۰۰ و بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی، ۲۵هزارو ۸۷۰ بیمار جدید مبتلا به کووید۱۹ در کشور شناسایی شد که سه‌هزارو ۴۳۰ نفر از آنها بستری شدند. مجموع بیماران کووید۱۹ در کشور به پنج‌میلیون‌و۱۲۹هزارو ۴۰۷ نفر و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۱۱۰هزارو ۶۷۴ نفر رسید. هفت‌هزارو ۶۸۹ نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹ در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها تحت مراقبت قرار دارند. در حال حاضر ۲۴۶ شهر کشور در وضعیت قرمز، ۱۴۴ شهر در وضعیت نارنجی و ۵۸ شهر در وضعیت زرد قرار دارند. بر اساس اعلام مرکز اطلاع‌رسانی و روابط‌عمومی وزارت بهداشت، مجموع واکسن‌های کرونای تزریق‌شده در کشور به ۲۹میلیون‌و۱۵۲هزارو ۵۲۷ دُز رسید. تاکنون ۱۹میلیون‌و۴۶۷هزارو ۸۵۸ نفر دُز اول واکسن کرونا و ۹میلیون‌و۶۸۴هزارو ۶۶۹ نفر نیز دُز دوم را تزریق کرده‌اند و مجموع واکسن‌های تزریق‌شده در کشور به ۲۹میلیون‌و۱۵۲هزارو ۵۲۷ دُز رسید.

هشدار سازمان غذا و دارو درباره داروی تقلبی درمان قارچ سیاه در بازار سیاه

● سازمان غذا و دارو با اعلام اینکه داروی آمفوتریسین که برای درمان قارچ سیاه بیماران مبتلا به کرونا مصرف می‌شود تأمین شده است، نسبت به وجود نمونه تقلبی این دارو هشدار داد. بنا بر اعلام روابط‌عمومی سازمان غذا و دارو، با افزایش موارد ابتلا به قارچ سیاه در بیماران مبتلا به کرونای دلتا، در هفته‌های گذشته میزان مصرف دوماهه کشور طی یک هفته به اتمام رسید که اقدامات فوری جهت واردات و جایگزینی این دارو صورت گرفته و در تمامی داروخانه‌های منتخب توزیع شد. همچنین متأسفانه در هفته‌های اخیر، هم‌زمان با کمبود مقطعی این دارو، افراد سودجو مبادرت به فروش داروهای تقلبی با برچسب داروی اصلی و قیمت ۱۰ تا ۲۰ برابری می‌کردند که علاوه بر کلاهبرداری از خانواده بیماران، جان آنان را نیز به خطر می‌انداختند. بنابراین به مردم توصیه می‌شود داروی مدنظر خود را تنها از داروخانه‌ها و پس از استعلام از سامانه TTAC به آدرس www.ttac.ir تهیه کرده و به‌هیچ‌عنوان برای تهیه داروی خود به بازار آزاد مراجعه نکنند؛ چراکه هیچ تضمینی برای اصالت و سلامت این داروها وجود ندارد.

۲ دُز واکسن؛ شرط حضور در راهپیمایی اربعین

● دکتر بهرام عین‌اللهی، وزیر بهداشت گفت: مهم‌ترین راهکار مدیریت کرونا، واکسیناسیون است که مقداری تأخیر داشته‌ایم اما با شروع کار دولت، به لطف خدا حجم بالایی از واکسن در حال واردات به کشور است که تا پایان ماه آینده، بخش عمده‌ای از واکسیناسیون عمومی در کشور انجام می‌شود. وی افزود: برای واکسیناسیون عمومی نیازمند یک حمایت جدی در سطح ملی هستیم؛ چون باید حدود صد میلیون دُز واکسن در عرض ماه‌های آینده تزریق کنیم و تولید و واردات به حد کافی در دستور کار است، اما لازم است همه مردم و دستگاه‌ها به وزارت بهداشت در این زمینه کمک کنند؛ چراکه این کار به تنهایی از عهده وزارت بهداشت خارج است. عین‌اللهی یادآور شد: باید روزانه حداقل دو برابر آنچه هست واکسن در کشور تزریق شود تا بتوانیم در کنترل بیماری کرونا موفق باشیم. در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا مصوب شد افرادی که می‌خواهند در مراسم اربعین حسینی حضور داشته باشند، باید حتما دو دُز واکسن کرونا را تزریق کرده باشند یا این هفته واکسن را دریافت کنند؛ در غیر این صورت، مجوز خروج از کشور و ورود به عراق را نخواهند داشت.

جزئیات تفکیک‌شده واردات ۴۰.۲ میلیون دُز واکسن کرونا

● **شرق:** طبق اعلام گمرک ایران از نیمه بهمن سال گذشته تاکنون بیش از ۴۰.۲ میلیون دُز واکسن وارد کشور و فورا تحویل نمایندگان وزارت بهداشت شده است. آن‌طور که ارونقی، معاون فنی گمرک ایران، به شانه‌ساز، رئیس سازمان غذا و دارو، اعلام کرده است، از ۱۵ بهمن ۹۹ تا ۱۴ شهریور سال جاری ۴۶ محموله واکسن کووید۱۹ از طریق فرودگاه امام خمینی وارد کشور شده و پس از انجام فوری تشریفات گمرکی به‌طور حمل یکسره شبانه‌روزی و از پای پرواز به‌طور مستقیم تحویل نمایندگان وزارت بهداشت شده است. بر اساس این گزارش، در این مدت ۴۰میلیون‌و۲۹۱هزارو ۸۹۴ دُز واکسن از کشورهای چین، ژاپن، ایتالیا، روسیه، کره‌جنوبی و هند وارد ایران شده است. بررسی جزئیات محموله‌های وارداتی واکسن نشان می‌دهد بیشترین محموله به واکسن سینوفارم از چین با ۲۶ محموله حاوی ۳۱میلیون‌و۶۴۴هزارو ۶۸۴ دُز اختصاص دارد. در سایر محموله‌های وارداتی، سه محموله واکسن آسترازنکا از ژاپن به تعداد دومیلیون‌و۹۱۱هزارو ۸۱۰ دُز وارد شده است. همچنین یک محموله واکسن از ایتالیا (کوواکس) به تعداد یک‌میلیون‌و ۴۵۲ هزار دُز، یک محموله آسترازنکا (کوواکس) با یک‌میلیون‌و۴۴۹هزارو ۶۰۰ دُز و همچنین محموله دیگری از کوواکس از کره‌جنوبی با ۷۰۰هزارو ۸۰۰ دُز وارد ایران شده است. در سایر محموله‌های وارداتی، ۱۱ محموله اسپوتنیک به تعداد یک‌میلیون‌و ۴۵ هزار دُز از روسیه و همچنین دو محموله دیگر از این کشور از واکسن آسترازنکا به تعداد ۹۶۳ هزار دُز وارد شده است. یک محموله نیز واکسن هندی (بهارات) به تعداد ۱۲۵ هزار دُز در بین واکسن‌های وارداتی به ایران قرار دارد.

واکنش علیرضا زاکانی به ۳۰ هزار امضای کارزار «نه به زاکانی»

بنده شهردار تهران هستم کاملا قانونی

عکس: نهمینه رحمانی، مهر

نورا حسینی: «شهردار قانونی تهرانم»؛ پاسخ علیرضا زاکانی به حقوق‌دان‌هایی که بر اساس استدلال‌های قانونی حضور وی در شهرداری را برخلاف قانون می‌دانستند. او می‌گوید پاسخ‌هایی دارد که اگر از پشت تریبون می‌گفت، منتقدانش که او گمان می‌کند قصد برهم‌زدن آرامش شهر را دارند از خجالت سر در گریبان فرو می‌کنند. او البته اشاره‌ای به پاسخ‌هایش نکرد. البته او پیش از این در دیدار با دانشجویان بسیجی گفته بود پاسخ چند گروه از منتقدانش را نخواهد داد. اما برای آنها استدلال‌های قانونی‌بودن حضورش در شهرداری را شرح داده بود. زاکانی در آن جلسه خطاب به دانشجویان بسیجی منتقد که معتقد بودند انتخاب او به‌عنوان شهردار خلاف قانون است، گفته بود گروهی هستند که اطلاعات غلطی دارند و شما دانشجویان بسیجی نیز جزء همین گروه هستید و الان با صحبت‌های شما نیز به یقین رسیدم که اطلاعات شما غلط است و بنابراین وظیفه دارم پاسخ‌گوی شما باشم؛ نکته‌ای که باز هم زاکانی درخصوص امضاکنندگان کارزار نه به زاکانی می‌گوید و آنها را افراد بی‌اطلاعی توصیف می‌کند.

زاکانی به دانشجویان بسیجی برای قانونی‌بودن انتخابش به‌عنوان شهردار تهران گفته بود: «اینکه عده‌ای می‌گویند ما به دنبال تغییر قانون برای انتخاب بنده هستیم، اشتباه است؛ چون قانون اساسی مشخص و واضح است. در اصل ۵۷ تفکیک قوا گفته شده است و اصل ۸۵ نیز می‌گوید که هیچ‌کس جز مجلس نمی‌تواند قانون‌گذاری کند. اما مجوزی به دولت داده می‌شود که می‌تواند اساس‌نامه بنویسد و بعد از آن مجلس بررسی و شورای نگهبان بر آن نظارت می‌کند. اصل ۱۳۸ قانون اساسی به دولت این مجوز را می‌دهد که آیین‌نامه را بنویسد، اما آیین‌نامه قانون نیست و باید از سوی مجلس و شورای نگهبان بررسی و نهایی شود. باید بررسی کرد که آیین‌نامه خلاف قانون است یا خیر؛ بنابراین نه اصل ۱۲۶ و نه اصل ۱۲۷ و نه اصل ۱۲۸ قانون اساسی مجلس نمی‌آید و شکایتی بشود به دیوان عدالت اداری می‌رود و اصلا این خلاف سیاست‌های ابلاغی رهبری و قانون اساسی است. از سال ۶۹ بنده بیانیه‌های زیادی را در دانشگاه‌ها نوشتم، اما یک بار از آن رسانه‌های خارجی سوءاستفاده نکردند و این نامه اخیر شما دارای اشکالات اساسی بود. اصل ۱۰۰ قانون اساسی می‌گوید برای پیشبرد برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی و سایر مسائل رفاهی، شوراها تشکیل می‌شود و مسئول شوراها نیز شهردار است. اصل ۱۰۱ نیز به فعالیت‌های عمرانی و رفاهی اشاره می‌کند که نظام سلامت جزء برنامه‌های رفاهی است. به عبارتی بخش‌نامه وزارت کشور خلاف نص صریح قانون اساسی است. افرادی نیز راه افتاده‌اند و حرف از قانون برای ما می‌زنند. افرادی که خودشان زمانی علیه قانون و مردم فعالیت می‌کردند، الان داعیه‌دار قانون شده‌اند و بنده نیز پاسخ آنان را نمی‌دهم. بخش‌نامه در سال ۹۷ و از سوی معاون وزارت کشور تنظیم شده و سه بار تا الان الحاقیه خورده است و بخش‌نامه برای افراد تنظیم شده و مشخص است که اشکالات اساسی دارد. همین الان شهردار کرمانشاه یا اسلامشهر پزشک و دندان‌پزشک هستند و از همین وزارت کشور حکم گرفته‌اند. شما دانشجویان نباید دنباله‌رو این عده باشید؛ بنابراین این بخش‌نامه ناقص است و بنده این را عالمانه به شما می‌گویم. طبق ماده ۵۵ قانون شهرداری، وظایف شهردار و شهرداری‌ها را مشخص کرده و در هفت بند آن مستقیم به بیمارستان، تیمارستان و درمان و کار و تلاش اشاره شده است و به نوعی این بخش‌نامه وزارت کشور خلاف قانون شهرداری‌ها هم هست. بنده به عمرم کار غیرقانونی نکردم و اتفاقا جلوی بی‌قانونی‌ها ایستاده‌ام و هزینه آن را داده‌ام؛ بنابراین کار شورای شهر در انتخاب بنده کاملا قانونی بوده است و اتفاقا موجب خیر شد که این بخش‌نامه اصلاح شود». هرچند برای تأیید زاکانی این بخش‌نامه تغییری نکرد. راه ساده‌تری که می‌توانست دست‌کم زاکانی را از راه قانون به صندلی شهرداری تهران برساند. علی دشتی، حقوق‌دان به «شرق» می‌گوید: تحلیل قانونی‌بودن حکم وزارت کشور برای شهردار از منظر سیاسی نیست. شاید کار راحت‌تر این بود که بروند و همین بخش‌نامه احراز شرایط شهرداران را اصلاح کنند، شاید برای طی‌شدن روند قانونی این حکم دو هفته دیرتر صادر می‌شد. اما ساختن قانون و تفسیر سازمان امور اداری و استخدامی از ماده ۷۱ که مربوط به مدیران سیاسی است، بدترین راه برای قانونی‌کردن حکم شهردار تهران است.

یک کارشناس حقوقی هم درخصوص تفسیر ماده ۷۱ به نفع شهردارشدن زاکانی هم اشاره‌ای به تکرار این ماجرا در زمان محمدعلی افشانی می‌کند؛ زمانی که او بر اساس همین ماده تلاش می‌کرد خود را از قانون بازنشستگی مدیران استثنا کند.

او به یکی از روزنامه‌ها گفته است سازمان امور اداری و استخدامی استناد به بخش‌نامه‌ای درخصوص هم‌ترازی شهرداران کرده است. این استدلال در دوره قبل شورا هم صورت گرفت درخصوص اینکه شهردار تهران آقای افشانی مشمول هم‌ترازی با وزیران است و اینکه این سمت نباید مشمول بازنشستگی شود، همان‌طور که وزیران هم مشمول بازنشستگی نمی‌شوند؛ اما پاسخ به این استناد این بود که بخش‌نامه هم‌ترازی صرفا درخصوص نحوه پرداخت حقوق و مزایاست و به این معنا نیست که این سمت هم‌تراز وزیر یا وزیران است. این موضوع مورد تأیید مجلس و دولت هم قرار گرفت. با وجود استدلال‌های حقوقی زاکانی معتقد است با حکم وی سیاسی برخورد شده و نباید با موضوعات مردم، سیاسی برخورد شود. او روز گذشته به رسانه‌ها گفته است: من می‌توانستم اکنون پشت تریبون مواردی را بگویم که خیلی‌ها، سرشان در گریبان فرو برود و خجالت بکشند؛ اما بنا نیست که ما با سرنوشت جامعه برخورد سیاسی‌کاری داشته باشیم. بنده شهردار تهران هستم کاملا قانونی، کاملا برداشت حقوقی است؛ در واقع مسئولان مربوطه پیرو درخواست وزارت کشور پاسخ دادند و گفتند کاملا قانونی است، با این حال به این موضوع بسنده نشد، از هیئت وزیران نیز سؤال شد و هیئت وزیران آن را کاملا قانونی و مسئولیتش را با وزیر کشور دانستند. او می‌گوید: ظرفیت پذیرش نقد منصفانه را دارد و نقد منصفانه و دفاع واقع‌بینانه باید در دستور کار قرار گیرد. در این مدت من سکوت کردم، ولی برخی جوسازی کردند و آرامش شهر را برهم زدند.

زاکانی در صحن شورای شهر تهران باز هم از اولویت‌هایش برای شهر گفت؛ اینکه باید مردم را پای کار آورد. به گفته او امروز با شهروندانی مواجه هستیم که از ما ناراحتند به دلیل اینکه به رسمیت شناخته نمی‌شوند، از ما دلگیرند که در مسیر مواجهه با فقر و فساد و تبعیض، ایستادگی و جدیت لازم را نداریم، ناراحتند از ارائه خدماتی که علی‌رغم زحمات زیاد، سطح این خدمات درخور و شایسته آنها نیست، دقت لازم برای انتقال نیازهای اساسی به آنها صورت نگرفته و مسئولیت‌هایشان به آنها تذکر داده نشده است و شهروندان و شهرداری در دو مسیر مجزا پیش می‌روند. او در سخنانش همیشه از محمدباقر قالیباف به‌عنوان مدیری جهادی که برای شهر تهران زحمات زیادی کشیده است، یاد می‌کند؛ اما وقتی از مشاهداتش از پنجره اتاق شهردار می‌گوید، بخشی از فعالیت‌های او در شهرداری را نقد می‌کند.

زاکانی می‌گوید: اکنون وقتی از پنجره اتاق شهردار به هر سمت شهر می‌نگریم، بی‌هویتی را از شهر می‌بینیم و هویت دینی و ایرانی ما در آن نمایان نیست. فاصله شمال و جنوب در شهر معنادار است و بی‌دقتی در توسعه امکان استفاده یکسان از شرایط و امکانات را برای شهروندان فراهم نکرده است.

گسل‌های خطرناکی تهران را تهدید می‌کند؛ از بافت‌های ناپایدار گرفته تا توسعه زیرساختی و ایجاد فضای سبز با دشواری مواجه هستیم. تلاش می‌کنیم این شهر را در یک پیکره واحد ببینیم و نقش شهرداری را به‌عنوان جزء سوم و خدمتگزار شهروندان با تعریفی قرار دهیم که از یک سازمان خدماتی به یک نهاد خدمتگزار اجتماعی پیش رود. شهردار تهران با اشاره به فعالیت‌هایش در دورانی که هنوز حکم قطعی او صادر نشده بود، گفت: در این ۲۶ روزی که در شهرداری مستقر بودیم، مبتنی بر برنامه‌ای که از قبل ارائه کردم، یک چارچوب منطقی را استخراج کردیم تا چهار محور اساسی را برای تلاش خود در آینده قرار دهیم. محور اول، افق روشن و فکر پیشرو است؛ بنابراین خط تلاش اول ما تنظیم یک افق مطلوب و داشتن یک سند مطمئن برای ترسیم یک قله افتخار برای شهر تهران است. شهردار تهران معتقد است: باید به توانمندی‌های خلق‌شده از گذشته تاکنون تکیه کنیم و همه اشکالات موجود را بررسی و عبرت بگیریم؛ اما نگاه خود را به آینده معطوف کنیم و در گذشته نمانیم. نباید گذشته را ابزار و چماق کنیم. شهری را تحویل گرفتیم که ۶۵ هزار میلیارد تومان بدهی دارد که از این رقم حدود ۱۲میلیاردو ۵۰۰ تومان سود بانکی است. در کنار این بدهی‌ها، ما طلب‌ها و امکاناتی در شهر داریم که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و علی‌رغم تمام مشکلاتی که کرونا آسیب زده است، باید تأکید داشته باشیم که دچار انسداد نشده‌ایم.

زاکانی با اشاره به اولویت‌های مدنظر خود در مدیریت شهری گفت: یکی از موضوعاتی که پیگیری خواهد شد، توسعه خطوط مترو است که البته این مسئله با اولویت تکمیل خطوط شش و هفت خواهد بود؛ به‌طوری‌که برای خطوط چهار و پنج، ۱۸۰ هزار میلیارد تومان نیاز است. همچنین برای افزایش ظرفیت واگن‌سازی نیاز به ۶۰ هزار میلیارد تومان است که در کنار این مسئله باید به اعتبار ۵۰ هزار میلیارد تومانی اتوبوسرانی در این بخش اشاره کرد. یکی از موضوعات دیگری که به صورت جدی پیگیری خواهد شد، استفاده از ۶۳۰ واگن برای مترو است که مراحل مقدماتی آن انجام شده و به‌هیچ‌وجه اجازه نمی‌دهیم دغدغه‌ای برای مردم ایجاد شود.

او با بیان اینکه باید پنج قرارگاه در مجموعه شهرداری ساماندهی شود، گفت: توسعه خدمت، استفاده از ظرفیت و پتانسیل بخش‌های مختلف برای بهره‌مندی از خدمات بیشتر و ارائه آن به شهروندان، فرهنگ و تبلیغ در شهر، ایجاد قرارگاه تفریح و نشاط همچنین بسیج امکانات برای ارائه خدمات و رفع آلام مردم ازجمله مواردی است که در مجموعه مدیریت شهری پیگیری خواهد شد.

طرح خاک‌خورده بازگشت آوارگان افغان به وطن

رؤیای پوسیده بازگشت

پیمان حقیقت‌طلب . مدیر پژوهش انجمن دیاران

حالا دیگر در شرف بازنشستگی‌اند. کارمندان ادارات اتباع و مهاجرین خارجی، پلیس‌های نیروی انتظامی و نیروهای سایر دستگاه‌های مرتبط با امور مهاجرین در ایران که از اوایل دهه ۱۳۷۰ مشغول به کار شده بودند، حالا دیگر آخرین روزهای خدمت‌شان را می‌گذرانند. نیروهایی که از همان روزهای اول خدمت یک رؤیای بزرگ را پروراندند و برایش سال‌ها زحمت کشیدند: رؤیای بازگشت افغانستانی‌ها به کشورشان.

از سال ۱۳۷۲ که طرح «بازگشت آوارگان افغانی به موطنشان» در شورای امنیت ملی به تصویب رسید، اقدامات مختلفی برای مجبورکردن مهاجران افغانستانی به بازگشت به کشورشان انجام شده است. از افغان‌بگیرهای نیروی انتظامی در دهه ۷۰ تا انواع و اقسام محدودیت‌های زیست شهروندی برای مهاجران. محال است پای درددل‌های نسل دومی‌ها و سومی‌های مهاجران افغانستانی در ایران بنشینی و از خاطرات تلخ دستگیرشدن پدرشان و اخراج اجباری او و چند ماه بی‌سرپناهی نگویند. در اوایل دهه ۸۰ که آمریکا به افغانستان حمله کرد و اسما دولتی شکل گرفت، سخت‌گیری‌ها علیه مهاجران افغانستانی اوج گرفت. این مهاجران آن‌قدر در ایران زندگی کرده بودند که فرستادن اجباری آنان به افغانستان نوعی کوچ‌دادن اجباری بود. آنها در افغانستان دیگر جایگاهی نداشتند. ممنوع‌کردن تحصیل کودکان افغانستانی در مدارس ایران و قلع‌وقمع مدارس خودگردان در اوایل دهه ۸۰ که مبادا این کودکان در ایران تحصیل کنند و ایرانی شوند، روزهایی سیاه بودند. اقدامی که اداره‌اتباعی‌ها و نیروهای انتظامی و سایر دستگاه‌ها از آن یک چیز را می‌خواستند: افغانستانی‌ها به کشور خودشان برگردند و در ایران نمانند. بچه‌های‌شان اگر به مدرسه می‌رفتند، آنها تا بچه‌های‌شان باسواد نمی‌شدند، برنمی‌گشتند. برخی آمارها برای‌شان خوشحال‌کننده بود. در سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ حدود ۱.۳ میلیون افغانستانی و در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ حدود ۱.۴ میلیون افغانستانی به کشور خودشان برگشتند. اما مشکل این بود که هم‌زمان تعداد بیشتری از افغانستانی‌ها به ایران مهاجرت می‌کردند.

از اواسط دهه ۸۰ و سراسر دهه ۹۰ پذیرفتند که افغانستانی‌ها از ایران بیرون نمی‌روند. اما رؤیای بازگشت افغانستانی‌ها رؤیایی نبود که بشود به‌راحتی رهایش کرد. مشکل خیلی از مهاجران افغانستانی در ایران این بود که آنها ایرانی شده بودند. در ایران به دنیا آمده بودند، در ایران تربیت شده و تحصیل کرده بودند، در ایران کار می‌کردند، لهجه‌شان ایرانی بود، حتی فامیل‌شان هم در ایران بودند و هیچ رابطه‌ای با افغانستان نداشتند؛ اما کارمندان و مدیران توی کت‌شان نمی‌رفت که کسی به شیوه‌ای غیر از زاد و ولد، ایرانی بشود. برای اینکه آنها را ایرانی به شمار نیاورند، فشار آوردند

که دولت افغانستان مسئولیت جمعیت میلیونی این مهاجران را بپذیرد و برای این کار باید جمعیت پناهندگان افغانستانی، پاسپورت افغانستان را می‌گرفتند. اقدامی که عملا بعد از دهه‌ها زندگی در ایران برای خیلی از پناهندگان افغانستانی اصلا ممکن نبود؛ چراکه نمی‌توانستند مدرکی را که اثبات کند آنها افغانستانی هستند، ارائه کنند. تذکره افغانستانی نداشتند. خیلی‌هایشان اصلا در طول عمرشان به غیر از ایران هیچ کشور دیگری را ندیده بودند. اما افغانستانی‌ها باید به کشور خودشان برمی‌گشتند و مقدمه این کار این بود که دولت افغانستان آنها را به رسمیت بشناسد. پس کارمندان و مدیران ادارات شروع کردند به ایجاد انواع محدودیت‌ها برای پناهندگان افغانستانی، پناهندگانی که چند دهه بود در ایران بودند؛ دریافت گواهینامه رانندگی ممنوع، دریافت سیم‌کارت ممنوع، مالکیت خودرو و موتورسیکلت ممنوع، داشتن کارت بانکی ممنوع، تحصیل در دانشگاه ممنوع (اگر می‌خواهی در دانشگاه تحصیل کنی، باید افغانستانی شوی، در غیر این صورت حق تحصیل در دانشگاه نداری)، سالی بیش از سه سفر ممنوع، زندگی در نصف استان‌های ایران ممنوع و... . اما پناهنده‌ها زیر بار نمی‌رفتند. آنها چندین سال بود که ساکن ایران بودند. به‌هیچ‌وجه دوست نداشتند حتی احتمال بازگشت به افغانستان را برای خودشان ایجاد کنند. خیلی‌هایشان در اوایل دهه ۸۰ به افغانستان رفته بودند و در آنجا جایگاهی نداشتند و دوباره به ایران مهاجرت کرده بودند. اسم‌شان همه‌ساله در لیست سازمان ملل بود و پیه تمام محدودیت‌ها را به تن‌شان می‌مالیدند برای اینکه حضورشان در ایران تضمین‌شده باشد.

انگار یک کشمکش ۳۰ ساله بین کارمندان و نیروها و مهاجران افغانستانی در ایران وجود دارد. برای کارمندان، نیروها و مدیران دستگاه‌های مرتبط با مهاجران در ایران بازگرداندن مهاجران یک رؤیا که نه یک آرمان شده است. برای مهاجرانی که دهه‌ها سعی کرده‌اند به‌صورت قانونی در ایران زندگی کنند هم ماندن در ایران یک آرمان شده است. یک جنگ قدرت عجیب و البته نابرابر و البته یک بازی باخت- باخت. و البته که مدیران و کارمندان در شرف بازنشستگی هنوز از رؤیای خود دست نشسته‌اند. نمونه‌اش محدودیت جدیدی است که در صدور کارت‌های آمایش ایجاد کرده‌اند. کارت آمایش، مدرک اقامتی پناهندگان در ایران است. مدرکی که از سال ۱۳۸۰ صدور آن آغاز شده و تاکنون ۱۵ بار تمدید شده است. دارندگان کارت آمایش پناهنده به ایران محسوب می‌شوند و دولتی که از آنجا مهاجرت کرده‌اند ولی و قیم آنها محسوب نمی‌شود. کارت آمایش فقط به کسانی تعلق می‌گیرد که در همان سال ۱۳۸۰ تقاضای پناهندگی به ایران داده بودند و قریب‌به‌اکثریت‌شان هم کسانی بودند که قبل از این مدرک دفترچه و کارت پناهندگی و سایر مدارک اقامتی مربوط به پناهندگی در ایران را داشتند. تنها در صورتی که کودکی از پدر و مادری دارای کارت آمایش متولد شود، به او هم کارت آمایش می‌دهند و هیچ‌کدام از مهاجرانی که در ۲۰ سال گذشته به ایران مهاجرت کرده‌اند، نمی‌توانند کارت آمایش دریافت کنند. برای تمدید این کارت هم همیشه کارت سال قبل نیاز است. عملا اگر ماده ۹۷۶ و ۹۷۹ قانون مدنی را در نظر بگیریم، دارندگان کارت آمایش ایرانی‌هایی هستند که موفق به دریافت شناسنامه نشده‌اند. حالا بعد از ۱۵ دوره محدودیت عجیب‌وغریب دیگری برای صدور کارت ۱۶ اعلام شده است: فقط در صورتی کارت آمایش تمدید می‌شود که متقاضی تذکره افغانستانی داشته باشد!

رؤیای بازگشت هنوز که هنوز است با شدت و حدت پیگیری می‌شود. تمام داستان آمایشی‌ها این است که از بس حضورشان در ایران طولانی شده است، هیچ رشته ارتباطاتی با افغانستان ندارند. آن‌وقت داشتن تذکره افغانستان پیش‌نیاز تمدید کارت آمایش اعلام شده است! این بدین معناست که اداره اتباعی‌ها هنوز دوست دارند که پناهندگان افغانستانی تحت قیومیت دولت افغانستان باشند. دوست ندارند آنها ایرانی شوند. دوست ندارند آنها را باوجود سال‌ها هم‌زیستی، هم‌وطن بدانند. دوست دارند که مقدمات بازگشت را فراهم کنند. اصلا هم به این کاری ندارند که در افغانستان طالبان مسلط شده است و جمعیت میلیونی مهاجران قانونی حاضر در ایران بر که نمی‌گردند هیچ، احتمالا میلیون‌ها نفر به آنها اضافه می‌شود... . کسانی که احتمالا بازهم کارمندان، مدیران و نیروها زیر بار پذیرش رسمی آنها نمی‌روند و سعی می‌کنند محدودیت بتراشند و جنگ قدرت راه بیندازند. آیا کارمندان و مدیران و نیروها می‌دانند که هیچ ضعیفی تا ابد ضعیف باقی نمی‌ماند؟ آیا می‌دانند که ۳۰ سال است که دارند این جنگ قدرت را ادامه می‌دهند و به نتیجه نرسیده‌اند؟ محدودیت جدید در صدور کارت آمایش که این را نشان نمی‌دهد!

ادامه از صفحه اول

دولت، اقتصاد و FATF

کشورهایی که به استانداردهای مربوط به مبارزه با پول‌شویی و تأمین منابع مالی تروریسم توجهی ندارند، توسط این نهاد در لیست سیاه قرار می‌گیرند و در نتیجه بانک‌ها و مؤسسات مالی و بنگاه‌های اقتصادی، همکاری خود را با کشورهای در لیست سیاه قطع می‌کنند. مبانی قانونی همکاری ایران با گروه اقدام مالی (FATF)، زمینه‌ای را برای خروج نام کشورمان از لیست کشورهای پرخطر و متعاقبا فراهم‌شدن امکان فعالیت بانک‌ها، مؤسسات مالی و بنگاه‌های اقتصادی فراهم می‌کند. همکاری با FATF، به‌منظور اجرای توصیه‌ها نیاز به تصریح قانون دارد و قانون مبارزه با پول‌شویی و کمک مالی به تروریسم توسط مجلس و شورای نگهبان به تصویب رسیده است. به گفته برخی «همکاری با گروه اقدام مالی منجر به دسترسی آمریکا و سایر کشورها به اطلاعات بانکی ایران می‌شود». نخست اینکه همکاری با گروه اقدام مالی هیچ الزامی برای در اختیار نهادن اطلاعات بانکی نداشته و هرگونه تبادل اطلاعات براساس معاهدات دوجانبه و چندجانبه مبتنی بر تصویب در مجلس خواهد بود. دوم اینکه اساسا با گروه اقدام مالی تبادل اطلاعات مالی و بانکی صورت نمی‌گیرد، زیرا سازوکاری برای این منظور پیش‌بینی نشده است. برخی نیز معتقدند: «همکاری با FATF، منجر به پذیرش تفسیر کشورهای غربی از تروریسم شده و متعاقبا منجر به محدودیت‌هایی برای حقوق و سازمان‌های آزادی‌بخش و نیز همیاری ایران با آنها می‌شود». در پاسخ معتقدم که گروه اقدام مالی نیز مانند بسیاری از نهادها و قوانین بین‌المللی هیچ تعریفی از تروریسم ارائه و توصیه نکرده است. در رابطه با مصادیق سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی، ایران نیز مانند هر کشور دیگری حق دارد که در قوانین خود، نهادهای ذی‌صلاح برای تعیین مصادیق سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی را مشخص کرده و این مصادیق را به اشخاص حقیقی و حقوقی ابلاغ کند. هیچ‌چیز در توصیه‌های گروه اقدام مالی که ایران را ملزم کند تا از فهرست نظام آمریکا و گروه‌های تروریستی تبعیت کند، وجود ندارد. عده‌ای نظر داده‌اند که «اجرای توصیه‌های گروه اقدام مالی منجر به اجرای قطع‌نامه‌های تحریمی خواهد شد»، به نظر نگارنده اصولا اجرای توصیه‌های مذکور در برنامه اقدام مورد توافق، ذکر نشده و همچنین اجرای تمام توصیه‌ها الزاما امکان‌پذیر نبوده و از این بابت تعهدی برای کشور ایجاد نخواهد شد. دغدغه دیگری نیز مطرح می‌شود: «همکاری با گروه اقدام مالی ایران را ملزم خواهد کرد که با اشخاص مشمول تحریم‌های آمریکا قطع همکاری کند». پرواضح است در همکاری با گروه اقدام مالی هیچ الزامی وجود ندارد که ایران را ملزم به تبعیت از تحریم‌های آمریکا کند. اساسا رژیم مبارزه با تحریم‌های آمریکا مستقل از گروه اقدام مالی است. همچنین در متن برجام قید شده است که تمامی اشخاص ایرانی می‌توانند با یکدیگر روابط مالی و اقتصادی داشته باشند. بنابراین بیان اینکه همکاری با گروه اقدام مالی منجر به خودتحریمی شده، درست نیست.

آموزش عالی چالش امروز و آینده افغانستان

جنگ در افغانستان به دلیل پیامدهای مستقیم خشونت به ازبین‌رفتن بهداشت، امنیت و زیرساخت‌های عمومی انجامیده و همچنان زندگی مردم را نابود می‌کند. غیرنظامیان بر اثر تیراندازی متقابل، بمب‌های دست‌ساز، ترورها، بمب‌گذاری‌ها و حملات شبانه به خانه‌های مظنون به شورشیان کشته شده و می‌شوند. حتی در غیاب جنگ، مهمات منفجرنشده از این جنگ و مین‌های جنگی قبلی به کشتن و زخمی‌کردن غیرنظامیان ادامه می‌دهد. مزارع، جاده‌ها و ساختمان‌های مدرسه آلوده به مهمات هستند که اغلب به کودکان در انجام کارهای خانه مانند جمع‌آوری چوب آسیب می‌رساند. در سال ۱۳۸۸، وزارت صحت عامه افغانستان گزارش داد که دوسوم مردم افغانستان از مشکلات روانی رنج می‌برند. جنگ‌های پیشین و درگیری‌های داخلی در این کشور باعث شده است که جامعه افغانستان به‌شدت در برابر اثرات طنین‌انداز جنگ کنونی آسیب‌پذیر باشد. این عوارض جنگی شامل افزایش میزان بیماری‌ها به دلیل ازبین‌رفتن امنیت، بحران آب، بحران مهارگسیخته کرونا، کمبود آب آشامیدنی پاک، سوءتغذیه و کاهش دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی است. تقریبا همه عوامل مرتبط با مرگ زودرس-فقر، سوءتغذیه، بهداشت نامناسب، عدم دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، تخریب محیط زیست-با تداوم جنگ و ناامنی کنونی تشدید می‌شود. افغانستان و مردمانش همسایه ما و به لحاظ فرهنگی و تمدنی، بخشی از پاره‌های ایران کهن هستند. افغانستان زادگاه ناصرخسرو قبادیانی و مولانا جلال‌الدین محمد بلخی است. امنیت و توسعه در افغانستان به امنیت ایران و منطقه کمک می‌کند و افزایش ناامنی و فقر و فلاکت در افغانستان، به ناپایداری وضع کل منطقه از جمله کشور ما می‌انجامد. به باور نگارنده، وقت آن رسیده که یک برنامه راهبردی در مورد وضع افغانستان و به‌خصوص نخبگان و تحصیل‌کردگان افغانستانی با مشارکت خود ایشان زیر نظر ریاست‌جمهوری تهیه شود تا مشخصا بدانیم که با کمک خود نیروهای تخصصی افغانستانی، چشم‌انداز و راهکارهای بهبود شرایط این کشور و همچنین مهاجران افغانستانی در ایران چیست و ما در ایران بر اساس کدام راهبرد در دهه آینده باید عمل کنیم.